مدیر آموزش و پرورش "حاجی آباد:

قرآن در راس برنامه‌های آموزش و پرورش قرار می‌گیرد

مدیر آموزش و پرورش حاجی‌آباد گفت: تمام برنامه‌های اداره آموزش و پرورش حاجی‌آباد با محوریت آموزه‌های قرآنی اجرا می‌شود.به گزارش فارس ، مقصود دهقانی در جلسه مدیران مدارس قرآنی شهرستان حاجی‌آباد، بیان داشت: با عنایت به دستور مقام عالی وزارت ۱۰ هزار دارالقرآن در کشور تاسیس می‌شود و در همین راستا در شهرستان حاجی‌آباد نیز در مرحله نخست در سال تحصیلی جدید ۱۰ مدرسه قرآنی راه‌اندازی می‌شود که برای هرکدام یک‌هزار و ۲۰۰ نفر دانش‌آموز یک مدرسه در نظر گرفته شده است. وی با بیان اینکه حرکت آموزش و پرورش به سمت توسعه فعالیت‌های قرآنی است، اظهار داشت: مدت زمان آموزش در این مدارس سه ترم خواهد بود که در برنامه‌های صورت گرفته شده این سه ترم به گونه‌ای برگزار شده که دو ترم آن در طول سال تحصیلی و یک ترم آن در فصل تابستان برگزار می‌شود.

مدیر آموزش و پرورش حاجی‌آباد هدف از راه‌اندازی این مدراس قرآنی را تقویت بنیه اعتقادی و رفتاری دانش‌آموزان و مشارکت آنان در توسعه و تعمق قرآن و مفاهیم غنی آن برای کاربردی کردن آن در زندگی و تلاش برای انس بیشتر با قرآن کریم عنوان کرد.دهقانی ابراز داشت: دانش‌آموزان در مدارس قرآنی به مدت دو ساعت در کلاس‌ها شرکت می‌کنند و این کلاس‌ها با حداکثر ۱۸۰ دانش‌آموز تشکیل می‌شود.

وی در پایان با بیان اینکه یک مدیر با یک مربی قرآنی در مدرسه قرآنی به انجام وظیفه محوله می‌پردازند، افزود: کلاس‌ها به صورت رایگان برگزار می‌شود و مدیران مدارس موظف هستند دانش‌آموزانی که در روخوانی و روانخوانی قرآن ضعف دارند را به این مدارس معرفی کنند.

کشف ۳۹ کیلو مواد مخدر در "رودان"

فرمانده انتظامی شهرستان رودان ، از کشف ۳۹ کیلوگرم مواد مخدر در روز گذشته خبر داد.به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، سرهنگ سید سعید پور سید یحیی فرمانده انتظامی رودان اظهار داشت : ماموران پلیس اطلاعات و امنیت عمومی شهرستان در پی خبر واصله مبنی بر ورود یک محموله مواد مخدر و دپوی آن در منزلی در شهرک ۱۳ آبان ، موضوع را به صورت ویژه در دستور کار خود قرار دادند.وی افزود: پس از انجام کار اطلاعاتی و پلیسی در بازرسی از منزل مذکور مقدار ۳۹ کیلوگرم تریاک کشف و در این رابطه یک نفر دستگیر شد.

سرهنگ پور سید یحیی بیان داشت : متهم دستگیر شده به همراه مواد مکشوفه جهت سیر مراحل قانونی به پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان منتقل شد.

خاطرات یک رزمنده از دوران "دفاع مقدس"

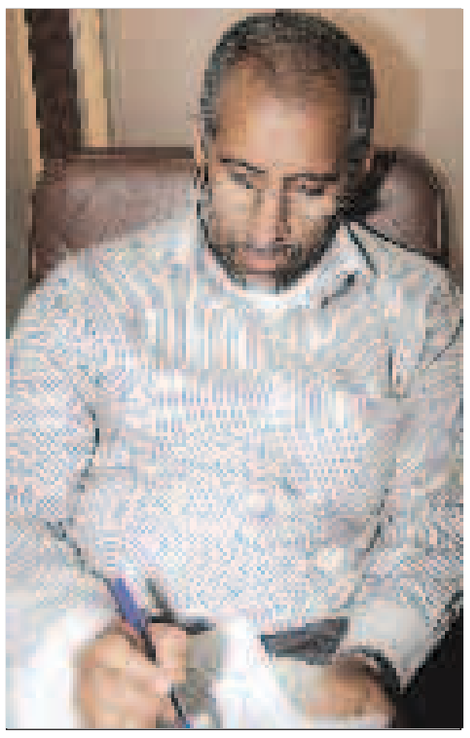

رزمنده حیدری

رژیم صدام پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، با چراغ سبز ابر قدرت‌ها و با هدف رسیدن به مطامع گوناگون ذهن معیوب خود، بالاخره پس از زمینه‌چینی‌های متعدد، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ هجوم همه جانبه خود را به سرزمین مقدس جمهوری اسلامی آغاز کرد.

آغاز تهاجم نظامی عراق، بازتاب‌های مختلفی را در دو کشور درگیر جنگ و در محافل رسمی و غیررسمی جهان به همراه داشت. در جمهوری اسلامی، جنگ توطئه‌براندازی انقلاب اسلامی تعبیر می‌شود که دولت مزدور عراق در نقش « آلت دست امریکا » مجری آن است. عراق نیز ضمن اعلام حمله و تصرف بخش هایی از خاک ایران، اقدام نظامی را حرکتی جهت احقاق حقوق خود دانسته، تاکید می‌کند که « مصمم است تا سرزمین‌هایی را که توسط ایران غصب شده»، باز پس ستاند.کشورهای حوزه خلیج‌فارس در قبال تجاوز عراق سکوت اختیار کرده، ضمن همکاری با عراق، از اتخاذ موضعی آشکار پیرامون جنگ پرهیز می‌کنند. آمریکا ضمن نادیده گرفتن نفس تجاوز، با اتخاذ موضعی مصلحت‌جویانه «زد و خوردهای مرزی ایران و عراق را برای صلح جهانی و کشورهای منطقه خطرناک » دانسته، اعلام می‌کند:« ثبات خلیج (فارس) به ایرانی متحد، قوی و مستقل بستگی دارد.» روسها نیز جنگ را نتیجه سلطه‌طلبی آمریکا در منطقه دانسته، خواستار حل مسالمت‌آمیز اختلافات دو کشور ایران و عراق می‌شوند، بی‌آنکه اشاره‌ای به آغازگر جنگ داشته باشند. حضرت امام‌خمینی (ره) با اعلام این نکته که جنگ ایران و عراق «جنگ بین اسلام و کفر و قرآن‌کریم و الحاد است»، راه هرگونه اقدام سازشکارانه را مسدود کردند و با ترسیم استراتژی ایران در جنگ نابودی صدام و حزب بعث عراق خط بطلانی بر خاتمه جنگ از طریق میانجیگری کشیدند.

عراق نیز ایران را مسئول آغاز جنگ دانست و اعلام کرد که «دست به یک جهاد مقدس» علیه ایران زده است . در شورای امنیت سازمان‌ملل متحد بر سر متن بیانیه‌ای درباره جنگ ایران وعراق، بین اعضای شورا اختلاف افتاد. شوروی خواستار رسیدگی شورای امنیت به مسأله جنگ شد، ولی سایر اعضا تنها به ارسال پیام‌هایی به ایران و عراق جهت پایان د ادن به جنگ بسنده کردند و بدون در نظر گرفتن نقش سازمان‌ملل در مورد خاتمه‌دادن به منازعات، از دو کشور درگیر خواستند تا دستور یک آتش‌بس فوری را صادر کنند، و این در حالی است که پیشروی نیروهای عراقی در داخل خاک ایران، همچنان ادامه دارد.

در خاورمیانه، جنگ ایران و عراق منجر به بروز شکاف بیشتر در جهان عرب شده است. کشورهای مصر، اردن، مراکش، قطر، کویت، عربستان‌سعودی و یمن‌شمالی از عراق حمایت می‌کنند و کشورهای یمن جنوبی، سوریه و لیبی در کنار ایران قرار گرفته‌اند. در سطح بین‌المللی، آمریکا به منظور پیشگیری از آثار ناشی از عدم موفقیت عراق، مشورت هایی را با متحدین خود آغاز کرده است. آمریکا در پی ایجاد یک نیروی دریای ی مشترک جهت محافظت از تنگه هرمز است.

> **مسجد همیشه سنگر و محل تجمع بچه های جبهه بود و همیشه سعی می کردیم حتی نماز صبح را با همدیگر در یکی از مساجد شهر و مسجد فاطمیه ، صاحب الزمان و یا مسجدامام باشیم . نمازهای جمعه که دیگر نگو بچه ها همیشه سعی می کردند بصورت دسته جمعی و گروهی در نمازهای جمعه با هم باشند.**

شوروی که از حضور بیشتر ناوگانهای آمریکا به همراه ناتو در خلیج‌فارس نگران است واشنگتن را به تدارک تجاوز علیه ایران و سایر کشورهای منطقه متهم می‌سازد.

در هفته دفاع مقدس قرار داریم و ضمن اینکه یاد و خاطره ایثارگری ها و جانفشانی های شهدای دفاع مقدس را گرامی می داریم به سراغ یکی از رزمندگان اسلا م رفته تا با بیان شمه ای از خاطرات تلخ و شیرین جبهه و جنگ خوانندگان گرامی را به حال و هوای آن روزها برده تا خود بوی باروت ، بوی خاک و بوی جبهه و رزمندگان دلاورش را حس کنند.

دریا: لطفاً خودتان را معرفی کنید ؟

وحید حیدری سراجی متولد ۱۳٤٥ در محله شیر اول کمربندی بندرعباس به دنیا آمدم.

کردستان - مهر ماه ۶۲

دریا: از شغل خود و اینکه چند فرزند دارید بگویید ؟

در حال حاضر کارمند شهرداری بندرعباس و دارای سه فرزند پسر هستم.

دریا: چند بار به جبهه اعزام و هر بار چه مدت در منطقه بودید؟

در مجموع ٥ بار اعزام و ۱۸ ماه در منطقه همراه با همرزمان با نیروهای بعثی جنگیدیم .

دریا: اگر ممکن است به تفکیک مراحل اعزام خود را شرح دهید ؟

اولین اعزام بنده در سال ۱۳٦۰ در سن ۱٥ سالگی در حالی که دانش آموز مدرسه ای بودم به مدت ٤ ماه به صورت داوطلب به منطقه اعزام شدم که این اعزام مصادف بود با عملیات والفجر ۳ به منظور آزادسازی "مهران" و عملیات والفجر ٤ در پنجوین کردستان عراق، دومین اعزام به جنوب پس از عملیات والفجر ۸ به مدت ۲ ماه و شرکت در پاتک های نیروهای عراقی که قصد باز پس گیری شهر "فاو" از نیروهای رزمنده را داشتند در خط مقدم فاو "ام القصر " سومین اعزام به مدت ۳ ماه در منطقه جنوب بودم در خطوط پدافندی شهر فاو شرکت داشتم ، اعزام چهارم به مدت ٤ ماه و شرکت در عملیات کربلای یک جهت باز پس گیری شهر مهران و آزاد سازی این شهر از دست دشمن بعثی که در این عملیات شهر مهران توسط رزمندگان اسلا م آزاد گردید ، اعزام پنجم ۳ ماه در منطقه جنوب و شرکت در عملیات کربلای ٤ که روی هم رفته افتخار ۱۸ ماه حضور در جبهه را دارم.

دریا:آیا در طول مدت حضور در مناطق جنگی مجروح نیز شدید ؟

بله ، در جزیره فاو شیمیایی شدم و به افتخار جانبازی نایل شدم.

دریا: درصد جانبازی شما ؟

درصد جانبازی اهمیتی ندارد چرا که من برای دفاع از وطن و ارزشها و آرمانهای انقلاب و امام راحل در برابر دشمن مزدور قرار گرفتم ولی چون سوال کردید جانباز ۱٥ درصد هستم .

دریا: از دوران مدرسه و آشنایی خود با مفاهیم مبارزات انقلابی برایمان بگویید؟

شروع انقلاب مصادف شد با شروع ایام تحصیلی مقطع راهنمایی ما در سال ۱۳٥٦ در مدرسه راهنمایی امیر کبیر و همواره شاهد تظاهرات مردمی و راهپیمایی بودیم ما هم مثل قطره ای درسیل جمعیت گاهاً در راهپیمایی ها شرکت می کردیم یادم هست یک روز یکی از کارگرهایی که پشت بام مدرسه را قیرگونی می کرد، به من گفت : اگر امام خمینی بیاید همه جا گلستان می شود و من چیز ی را در مورد انقلاب و امام نمی دانستنم متوجه حرفش نشدم و انقلاب با شور وسختی که دیگران و از جمله بانی آن حضرت امام (ره) زحمات زیادی را برایش کشیده بود به پیروزی رسید و در آن برهه یکی از مدارسی که در صحنه های مختلف انقلاب فعال بود و معلمان و دانش آموزان پر شوری درآن حضور داشتند مدرسه ما بود و بعدها هر کدام ستاره ای شدند و به آسمان ملکوت پر کشیدند، مثل شهید حاج علی رضایی سردره دبیر ریاضی و شهید رستمی که مغضوب تیر منافقین شد و دانش آموز علی عوض پور که در راهپیمایی ها و صحنه درگیری های بین طرفداران انقلاب و منافقین فعال بود تا شهید غلامعباس آتش دهقان که جوانی رشید و شیک پوش بود. مدرسه ما کانون توجه انقلابیون بود ضمن اینکه هیچگاه قامت بلند و دلنواز و آرام و پر صلابت دبیر ریاضی مان حاج علی رضایی با آن ماشین کوچک قهوه ای رنگش را از یاد نمی برم و وقار و روح بلندش را از قامت بلند و کلمات دلنوازش می شد فهمید و بعدها این حالات وی نیز در جبهه که درکنار هم بودیم خاطرات زمان مدرسه برایم تداعی می کرد، خلاصه بعد از یک سال از آن مدرسه را به مدرسه ای دیگر منتقل که آن هم داستانی دارد که جای طرح آن در این مقوله نمی گنجد، از آنجا به مدرسه سید جمال الدین اسد آبادی که مدرسه ای نسبتاً شلوغ با بچه های شلوغتر از جمعیتش در یکی از محلات فقیر نشین یعنی کمربندی بعد از چهار راه بیمارستان شهید محمدی و نزدیک دبستان سعدی که ایام ابتدایی را در آنجا سپری کردم ،گذراندم .

دریا: با توجه به سن و سال کم شما نحوه آشنایی با رزمندگان که پیش از شما به جبهه رفته بودند و آنان که بارقه ای از امید برای دسته جمعی و گروهی در نمازهای جمعه با هم باشند مساجد در آن روزها علاوه بر وعده گاه ما با خدا محلی برای قرار و ملاقاتهای بچه های انقلابی ورزمنده نیز بود خانه های رزمندگان مثل یک قرارگاه تاکتیکی در جبهه بود مثل خانه شهید اسطحی، خوشبخت، شهید مجیدی و رزمنده عزیز حاج حمید حاجی زاده که همیشه مملو از رزمنده بود و مادران آنها که همیشه برای بچه ها مادری میکردند. بعضی وقتها هم نون رهته درست می کرد و دست مادری بر سر همه بچه ها ی جبهه می کشیدند.

دریا: چه چیز باعث شد تمایل رفتن به جبهه در شما بوجود آید و برای اعزام به جبهه های حق علیه باطل بی تاب شوید ؟

هنوز توفیق حضور در جبهه را نیافته بودم ولی عشق آن همیشه با من بود وعملیات هایی که می شد و خبرهایی که از جبهه و شهید و از دست دادن دوستان مان می شنیدیم باعث شد که دیگر در پوست خود نگنجیم ، خاطره های جنگ که در شهرمان متاثر از آن بود. خاطره فتح خرمشهر که واقعاً آن روز غوغایی بود و کسی در شهر نبود که شاد نباشد و چرا که پاره ای از تن وطن به میهن بازگردانده شد و خاطره تلخ دیگری که آن روزها شهر ما را غم زده کرد.آوردن حدود سی نفر از شهدای عملیات بیت المقدس بود که در سپاه بندرعباس مراسمی در کنار بدنهای بی جان و روح های بزرگ و پرواز کرده به معراج برگزار شد و تمام شهر می گریست شهدایی که در آن وقت یا تازه وارد سپاه شده بودند و یا از شهدای دانش آموز و همین جمع های صمیمی و نهادهای مردمی بودند مثل شهید جعفری ، درویشی و آتش دهقان و ...بچه های جبهه سعی می کردند پس از مرخصی و در برگشت به جبهه حتماً تعدادی از بچه ها که مشتاق نبرد با دشمن بعثی اند را به جبهه جذب کنند. شاید یکی از دلایلی که جذب جبهه شدیم نفس گرم امام راحل و سربازانی که امام در سال ٤۲ فرموده بودند یاران من در گهواره اند یعنی همین بچه های جبهه و جنگ و همچنین اخلاص این بچه ها که برگرفته از اخلاص امام رحمه الله علیه بود همواره در کلاس به بچه ها منتقل می شد، گردید.

دریا: از خاطرات اولین روزهای حضور در جبهه و همچنین اولین اعزام خود بگویید؟

هر روز خبرهایی از جبهه ها بگوشمان می رسد خبرهای تلخ که از رفتن به جبهه دردل شما روشن کردند چگونه بود؟

رزمندگان هرمزگانی - ایلام غرب

حالا دیگر جنگ شروع شده بود و بچه های همکلاسی مان داوطلبانه به جبهه می رفتند و هر از چند گاهی با کوله باری از خاطرات رنگارنگ باز می گشتند و به هنگام نقل خاطره هایشان قند در دل ما آب می شد . قبل از ذکر خاطرات و نام آنها بد نیست اشاره ای گذرا به برگزاری اردوی هجرت که از طرف بسیج مستضعفین آن روز ما در اصفهان به مدت یک ماه برگزار شد اشاره شود چه از نظر هزینه ای که برای اردو شد و چه از نظر محتوا و برنامه های آن و مربیان و مسئولان آن که به دلیل انقلاب فرهنگی از دانشگاه ها جدا و در این اردو شرکت داشتند. در اردو دوره های عقیدتی و نظامی برپا بود و خیلی از بچه ها یا از نهادهای انقلاب و یا از فرماندهان و شهدای دفاع مقدس و یا از مسئولین شهر بودند.در این اردو بود که با جوانان عزیزی مثل شهید محمد رضایی، غلام آبسینه ، مسعود ترابی زاده ، حسین الله پرست ، حسن دانشمند و رزمندگانی که به درجه رفیع شهادت و رزمندگی و جانبازی نائل شدند آشنا شدیم و بعد از آن دیگر اردوی پرباری مثل آن برپا نشد و یا حداقل ما نشنیده بودیم و دیگر اینکه اخلاصی که بچه های آن اردو که اکثراً شهید شدند، داشتند،ندیدم. البته جادارد از شهید یوسف دقت به عنوان مسئول اعزام کننده این اردو و نیز سردار دانشمند یاد کنیم. خلاصه با شروع جنگ و رفتن بچه های اردو به جبهه هر روز شوق حضور در جبهه در دل امثال من شعله ور می شد . آن زمان ارگان هایی مثل بسیج ، جهاد ، امورتربیتی ، اتحادیه دانش آموزان و همه یکدل و یک زبان و همه حول یک محور و هدف بودند تا جایی که امام (ره)فرمود: می بینیم که ملت خدایی شده اند و همه چیز خدایی بود. هر روز شاهد بازگشت بچه ها از جبهه و شنیدن خاطرات آنها که معمولاً در جمع های مسجدی همیشه نقل محافل بود . شهید اسحق اسطحی ، محمد رضایی ، حسین الله پرست و ... که همیشه با کوله باری از خاطرات آنها در صف های نماز می دیدیم.یاد رزمنده هم محلی مان شهید عبدالرضا تاج میری که از مهاجران خوزستان بودند هم خالی از لطف نیست.

دریا: مساجد در ایام آغازین جنگ تحمیلی چگونه در روحیه جوانان تأثیر گذار بودند؟

و مسجد فاطمیه ، صاحب الزمان و یا مسجد امام (فلکه برق) باشیم. نمازهای جمعه که دیگر نگوبچه ها همیشه سعی می کردند بصورت شهادت دوستان و همشهری ها و همکلاسی هایمان بود را می شنیدیم و خبرهای شیرین که بچه های رزمنده چگونه در جبهه مشغول خودسازی بودند. همیشه با شنیدن آژیر خطر و اعلام وضعیت قرمز و اینکه احتمال حمله هوایی دشمن می رود و لحظاتی شیرین که مردم به فرمان رهبر خود آماده اند تا دشمن را از مرزهای کشور وشهرهای خود بیرون برانند. ناگفته نماند در همان اوایل جنگ یکی از برادرانم در جبهه حضور داشت و در یکی از یگان های توپخانه در جبهه آبادان مشغول نبرد بود و وقتی که سرود ای سرباز ،ای برادر، ای جان بر کف، ای حافظ ایران‌آزاد، ایران آزاد... می شنیدم همیشه به یاد او بودم و به یاد مادرم که چگونه همه شب برای پیروزی سربازان جان بر کف وطن در کنار سجاده دعامی کرد با شنیدن این سرود حال و هوای دیگری به من دست می داد و من هم دوست داشتم در جبهه باشم خلاصه قرار شد به بسیج برویم و اعزام شویم خلاصه زمان اعزام و روز موعود فرا رسید و با جمعی از جوانان سلحشور استان عازم کرمان شدیم ، برایم لذت بخش بود، دومین بار بود که از شهر خود و آغوش گرم خانواده جدا می شدم.پس از حرکت با اتوبوس به کرمان به طرف پادگان ۰٥ رفتیم و پس از سازماندهی و دوباره سوار اتوبوس آهنی یعنی قطار و روانه اهواز شدیم بعد از ده ها ساعت حرکت به اهواز رسیدیم و از آنجا به طرف مقر لشکر که شهرکی با چندین ساختمان نوساز و چند طبقه که ظاهراً مخصوص پرسنل شرکت لوله نورد اهواز بود رسیدیم. پس از سازماندهی و گروه بندی و تعیین یگان رزم در یکی از گردانهای رزمی مشغول دیدن آموزش شدیم . با توجه به جثه کوچک من رفتن به میدان نبرد واجب نبود ولی شور و عشق و اطاعت از فرمان امام نمی گذاشت که لحظه ای در پشت جبهه آسوده باشم.روزها یکی پس از دیگری می گذشت و ما هر روز چیزهای جدیدی از آموزش رزمی و عقیدتی و تاکتیکی یاد می گرفتیم، هر روز پس از مراسم صبحگاه و ورزش صبحگاهی بعد از نماز صبح در یکی از اتاق ها خود را به خواب و مریضی بزنیم دیدم که چند نفر وارد اتاق شدند و آمار می گرفتند که چه کسانی در صبحگاه شرکت نمی کنند و بقول معروف از زیر کار در میرن که از بخت بد ما اون صبح خوردیم به پست جناب فرمانده گردان بهرام سعیدی و مارا غافلگیر کرد و با همان روحیه خشن و لهجه شیرین جیرفتی و تند گفت اگه دفعه دیگه به صبحگاه نیایید با همین پوتین له و لوردتان می کنم و خلاصه با کلی ترس و لرز و

ادامه دارد ...

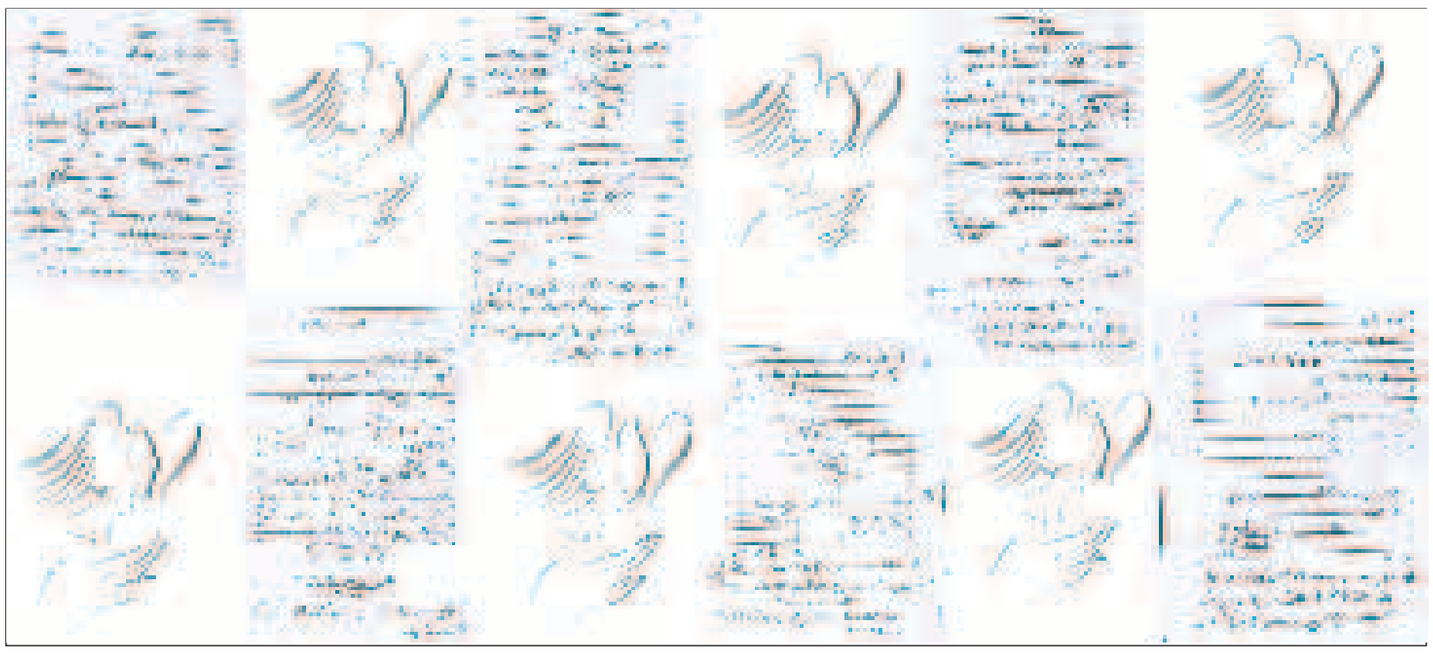

دست نوشته های شهدا

موبایل برتر
نمایندگی فروش سیم کارت و کارت شارژ ایرانسل
سیم کارت رند ایرانسل و همراه اول
بندرعباس : بازار سیتی سنتر جنب آسانسور شیشه ای۱۲۵-fo
شعبه ۲ : چهار راه نخل ناخدا به سمت خ ترمینال کوچه شقایق
classic
خیاط کلاسیک
دوخت البسه مردانه
بندرعباس : فلکه برق جنب دبیرستان زینب کبری پاساژ امام رضا (ع) ۲۲۳۱۳۱۵
فروشنده نرم افزار مالی و حقوق و دستمزد
شماره ثبت : ۴۶۴
سیستم حساب خلیج فارس
انجام امور حسابداری
زبر دست tel :09173674789